



«ایران» در سالگرد حادثه سقوط بالگرد، ابعاد شخصیت رئیس دولت سیزدهم را بررسی می کند

رئیس، شهید خدمت

سیاست

در آستانه سالروز شهادت سیدابراهیم رئیسی و سایر شهدای خدمت، چهره‌های مطرح سیاسی کشور از خدمات و ابعاد شخصیتی او گفتند.



غلامعلی حداد عادل مشاور عالی رهبر انقلاب، حسین مظفر عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و علی آقامحمدی دیگر عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، هر کدام در گفت‌وگوهای جداگانه‌ای از زاویه نگاه خویش، به تشریح ابعاد شخصیتی رئیس‌جمهور شهید دولت سیزدهم پرداختند. این گفت‌وگوها پیش از انتشار، برای بهره‌برداری در اختیار روزنامه ایران قرار گرفت.

همیشه در فکر تغییرات ماندگار بود



علی آقامحمدی
عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

وقتی نام شهید رئیسی به میان می‌آید، اولین ویژگی‌ای که به ذهن من متبادر می‌شود، خادم اسلام بودن، پرچنب‌وجوش و انقلابی بودن ایشان است؛ کسی که همیشه در فکر و اندیشه ایجاد تغییرات ماندگار بود.

من سابقه طولانی و نزدیکی با ایشان دارم؛ از زمانی که طلبه بودند و در مراحل مختلف رشد کردند، تا زمانی که وارد قوه قضائیه شدند و به ریاست این قوه رسیدند، سپس مسئولیت آستان قدس رضوی را بر عهده گرفتند و در نهایت رئیس‌جمهوری شدند. در تمام این سال‌ها، چیزی که همیشه در

ایشان به یاد دارم، شخصیتی آرام و متین بود که نسبت به مسائل حساسیت داشت و همواره دنبال راه حل بود. ایشان شنونده خوبی بودند و دیدگاه‌های مختلف را می‌شنیدند. ویژگی بارز دیگری که در ایشان می‌دیدم، انعطاف‌پذیری بالا بود؛ برخلاف بسیاری از سیاستون که در یک جهت خاص منجمد می‌شوند و اصرار دارند، آقای رئیسی هرگز چنین نبودند و همیشه توانایی تطبیق و انعطاف داشتند. همچنین، ذوب بودن در ولایت از دیگر خصوصیات کم‌نظیر ایشان بود. وقتی خبر شهادت ایشان را شنیدم، احساسی شبیه به از دست دادن خود داشتم؛ حسی عمیق و دردناک که هنوز هم باورش برایم سخت است.

شهادت رئیسی خسارت بزرگی برای کشور بود



حسین مظفر
عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

زمانی که شهید رئیسی در شورای نظارت بر صدا و سیما حضور داشتند و من نیز عضو آن شورا بودم، همکاری نزدیکی با ایشان داشتم. همچنین در دوره‌ای که ایشان در آستان قدس رضوی مسئولیت داشتند، باز هم افتخار همکاری با ایشان را داشتم. در دوران نظارت و همچنین در دولت که بنده مأموریتی داشتم، این همکاری‌ها ادامه داشت. متأسفانه خلأ وجود ایشان تأثیر

مهم و قابل توجهی در روند انقلاب به وجود آورد. البته روند انقلاب به گونه‌ای است که ملت ما با چنین شهادت‌ها و سختی‌ها آشنایی کامل دارد و همواره با استقامت و پایداری، هرگز از آرمان‌های اولین دیدار، نشانه‌های شخصیتی متواضع، منضبط و شهادت ایشان خسارت بزرگی برای کشور بود. وقتی خبر شهادت ایشان را شنیدم، بسیار متأثر شدم. باورکردنی نبود. این خبر شوکی بزرگ برای من و کل جامعه بود؛ به راستی که چگونه چنین حادثه‌ای ناگهانی رخ داد و چرا جامعه ما از استمرار خدمت چنین فردی محروم ماند.

خستگی ناپذیر برای ایران



غلامعلی حدادعادل
مشاور عالی رهبر انقلاب اسلامی

شهید رئیسی شخصیتی بود که ویژگی‌های بارز آن هم چون صداقت، پرکاری، خستگی ناپذیری و دلسوزی عمیق برای ملت ایران را در خود داشت.

ایشان همواره با تلاش مستمر برای اجرای رهنمودهای رهبر معظم انقلاب، نقشی مؤثر در پیشبرد اهداف کشور

ایفا می‌کردند. این صفات برجسته در ذهن ما نقش بسته و باعث شده بود تا رابطه‌ای صمیمانه و مستحکم با ایشان داشته باشیم. اکنون که ایشان را از دست داده‌ایم، جای خالی‌شان شدت احساس می‌شود و هنوز باورمان نمی‌شود که دیگر در میان ما نیستند.

در واقع، تمام آشنایی و همکاری ما با شهید رئیسی، به نوبه خود یک خاطره ماندگار و گران‌بهاست که همیشه در ذهن باقی خواهد ماند.

دیپلمات میدان، یک سال پس از پرواز ابدی

یک سال از پرواز ابدی دیپلمات نامدار جبهه مقاومت گذشت؛ مردی که با خوی تواضع، صلابت انقلابی و پایداری بی‌وقفه‌اش در دفاع از ملت فلسطین، جاودانه شد. او دیپلماسی را تنها در چهارچوب پروتکل‌های رسمی تعریف نمی‌کرد؛ میدان را صحنه اصلی سیاست می‌دانست. حضور مکررش در لبنان، دیدارهای طولانی‌اش با شهید سید حسن نصرالله و توجه خستگی‌ناپذیرش به تحولات فلسطین، گواهی بود بر این رویکرد. او نه فقط دیپلماتی حرفه‌ای، بلکه چهره اصلی سیاست خارجی دولت سیزدهم بود.

حالا فرماندهان مقاومت و سفیر ایران در بیروت در یادداشت‌هایی اختصاصی برای «ایران»، از نقش مهم او در میدان دیپلماسی سخن گفته‌اند؛ از دیپلماتی که نه پشت میز، بلکه در قلب میدان انجام وظیفه کرد.

امیر دیپلماسی مقاومت

ایران کشوری بزرگ است. کشوری با سازمان، وزارتخانه، سیستم و رهبری‌ای مقتدر. کشوری با تنوع مذهبی، قومیتی و حتی سیاسی. اما با این همه تنوع، انسجام ملی‌اش در بزنگاه‌ها مثال‌زدنی است.

اتفاقی که با شهادت رئیس‌جمهوری و وزیر خارجه رخ داد اگر در کشور دیگری رخ می‌داد، بی‌تردید آن کشور را به هم می‌ریخت. تاریخ جهان، چنین تجربه‌هایی را در حافظه دارد. کشورهایی که با یک

شوک سیاسی یا امنیتی، دچار فروپاشی یا دست‌کم بحران‌های عمیق شدند. اما جمهوری اسلامی ایران، سال‌هاست که در برابر چنین طوفان‌هایی ایستاده و از آنها عبور کرده است.

این بار هم در حالی که رئیس‌جمهوری و وزیر امور خارجه با هم به شهادت رسیدند، کشور نه‌تنها متوقف نشد، بلکه با صلابت مسیر خود را ادامه داد. سیستم مدیریتی کشور با همراهی جامعه ایرانی، نشان داد که چگونه می‌توان بحران را به انسجام تبدیل کرد. دولت و ملت، دست در دست هم مسیر اداره کشور را پیش بردند و رئیس‌جمهوری جدید را انتخاب کردند؛ بی‌آن‌که کوچک‌ترین خللی در روند اداره کشور پدید آید.

در کنار این انسجام داخلی، آنچه جلوه‌ای ویژه به این رویداد داد، حضور پررنگ گروه‌های مقاومت منطقه بود؛ از لبنان و فلسطین تا عراق و یمن. آنها نه‌تنها در مراسم تشییع حضور یافتند بلکه با تمام وجود نشان دادند که رابطه‌شان با جمهوری اسلامی صرفاً یک تعارف سیاسی نیست. این رابطه، ریشه‌دار و واقعی است. رابطه‌ای که جمهوری اسلامی سال‌ها برای آن هزینه داده و بر آن پافشاری کرده است.

این حضور، نماد همان جایگاهی است که ایران در محور مقاومت دارد. گروه‌های مقاومت، ایران را مادر خود می‌دانند؛ کشوری که پشت آنها ایستاده و در برابر فشارها عقب‌نشینی نکرده است. یکی از دلایل این همبستگی، نگاه مردمی و اولویت‌های اصلی است که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی نهادینه شده است. مسأله فلسطین، نه یک شعار بلکه یکی از ارکان سیاست خارجی ایران است.

حتی در روزهای سخت، این موضوع از دستور کار مسئولان کشور خارج نشده است.

رئیس‌جمهوری شهید و وزیر خارجه شهید، تا آخرین لحظات عمرشان، فلسطین را اولویت خود می‌دانستند. گریستن‌شان برای غزه در مجامع بین‌المللی، سخنرانی‌های پرشورشان و پیگیری‌های شبانه‌روزی‌شان، گواهی است بر اینکه سیاست خارجی ایران بر پایه اصولی بنا شده که عقب‌نشینی در آنها معنا ندارد.

جمهوری اسلامی در کنار ملت مظلوم فلسطین ایستاده و رژیم صهیونیستی را به عنوان غده‌ای سرطانی در منطقه می‌شناسد که باید از میان برداشته شود. رئیس‌جمهوری شهید، همان راه امام خمینی (ره) را ادامه داد. او در اندیشه امام ذوب شده بود و مسیر رهبری انقلاب را با جدیت دنبال می‌کرد؛ بویژه در حوزه حمایت از مظلومان فلسطین و غزه. برای او، آزادی فلسطین و رهایی مردم غزه از رنج و محاصره، یک اولویت راهبردی بود. اما شهادت وزیر خارجه، حسین امیرعبداللهیان، حادثه‌ای دردناک بود. او شخصیتی متمایز و اندیشمند با ذهنی فعال و حضوری تأثیرگذار در میدان سیاست منطقه بود. مسائل امت اسلامی را به خوبی می‌شناخت و در تحولات بعد از آغاز «طوفان الاقصی» تا جنایات رژیم صهیونیستی همواره در صحنه بود.

او در لبنان، در کشورهای منطقه و در هر جایی که نیاز بود حضور داشت. قطعاً از دست دادن چنین فردی ضایعه‌ای بزرگ است. اما در ایران، شهادت به معنای پایان راه نیست. جمهوری اسلامی و جبهه مقاومت، راه را ادامه می‌دهند. هیچ‌گاه با رفتن یک فرد، مسیر متوقف نمی‌شود. این منطق در عمق فرهنگ و باورهای این ملت و این نظام ریشه دارد. شهادت نقط پایان نیست؛ آغاز مسیر جدیدی است با انگیزه‌ای تازه‌تر.

صدای مردم مظلوم فلسطین



حمید عبدالقادر
مشاور نخست‌وزیر یمن

شهید سید ابراهیم رئیسی و شهید حسین امیرعبداللهیان نه تنها به عنوان رئیس‌جمهوری و وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران بلکه به عنوان دو چهره شاخص در جبهه مقاومت و خدمت در حافظه ملت ایران و امت اسلامی باقی خواهند ماند.

این دو بزرگوار به همراه دیگر همراهان‌شان، شهدای خدمت بودند؛ کسانی که در راه انجام وظیفه، بی‌وقفه و بی‌ادعا تلاش کردند و جان خود را فدای امنیت، عزت و آرمان‌های مردم کردند. اما وجه دیگر این شهادت، آنها را در قامت شهدای مقاومت نیز تعریف می‌کند؛ شهدایی که در میدان سیاست خارجی و در قلب بحران‌های منطقه‌ای، به دفاع از مظلومان برخاستند. نقش این عزیزان در حمایت از مسائل امت اسلامی، بویژه در یمن، لبنان، فلسطین و سوریه، هرگز از یاد نخواهد رفت.

این چهار نقطه، خطوط اصلی نبردهای مقاومت‌اند و شهید رئیسی و شهید عبداللهیان در هر چهار جبهه، باور آرمان‌ها و مدافع ارزش‌های اسلامی بودند. آنها با شجاعت و عزمی راسخ، پیام انقلاب اسلامی را به سراسر منطقه منتقل کردند و سیاست خارجی کشور را در مسیر آرمان‌گرایی عقلانی هدایت کردند.



شهید امیرعبداللهیان شخصیتی بود که حضورش در صحنه‌های مختلف بین‌المللی با خود پیام مظلومیت ملت فلسطین را به همراه داشت. او تنها یک دیپلمات رسمی نبود، بلکه صدای ملت‌های مظلوم منطقه در سازمان‌ها و نشست‌های جهانی بود.

با دیدارها، سفرها و تماس‌های مکرر و بی‌وقفه، او به نوعی ۲۴ ساعته در حال پیگیری مسائل امت اسلامی بویژه مردم فلسطین بود. این پشتکار از او چهره‌ای متمایز و تأثیرگذار در میدان دیپلماسی مقاومت ساخت.

در ماه‌های اخیر و پیش از شهادتش با آغاز دور جدید جنایات رژیم صهیونیستی علیه مردم فلسطین و بویژه غزه، شهید امیرعبداللهیان تمام توان و دغدغه خود را صرف دفاع از مردم بی‌دفاع کرد.

او نه‌تنها در تهران که در هر جای جهان که لازم بود حضور پیدا می‌کرد تا در دفاع از کودکان غزه از هیچ تلاشی فروگذار نکند. دیپلماسی او فقط محدود به بیانیه و مذاکره نبود؛ بلکه ترکیبی بود از باور، عمل و ایستادگی. فراموش نمی‌کنیم که او در کنار ملت‌های منطقه، همچون یمن، سوریه، لبنان و الجزایر نیز ایستاد. الجزایر، کشوری با تاریخ استعمارستیزی، امروز نیز بخشی از محور مقاومت فرهنگی و سیاسی جهان اسلام به‌شمار می‌رود.

شهید امیرعبداللهیان، با درک این پیوستار تاریخی، تلاش می‌کرد که دیپلماسی جمهوری اسلامی را در پیوند با حافظه مقاومت جهان اسلام، زنده و مؤثر نگه دارد. شهید عبداللهیان، فرزند دیپلماسی مقاومتی بود که امروز بیش از همیشه، صدايش در جهان طنین‌انداز است. شهادتش، پایانی برای او نیست؛ بلکه آغازی دوباره برای نسلی است که باید این پرچم را برافراشته نگاه دارد.

رفیق دقیق



مجتبی امانی
سفیر ایران در لبنان

در طول سال‌های خدمت در وزارت امور خارجه، افتخار آشنایی و همکاری با شخصیت‌هایی را داشتم که هر یک در مقطعی از تاریخ دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران، اثرگذار بودند؛ اما کمتر کسی را می‌توان یافت که همچون شهید حسین امیرعبداللهیان، هم در میدان سیاست و هم در عرصه اخلاق و انسانیت، چنین حضوری مؤثر و ماندگار از خود بر

سیاسی، دیپلماتی آرمان‌گرا و در عین حال واقع‌بین که با تکیه بر دیپلماسی مقاومت، در دل دشمنان هراس و در دل دوستان امید می‌نشانند. رفیقی بود دقیق، متعهد و آگاه، که با شهادتش، نه فقط وزارت خارجه که تاریخ دیپلماسی مقاومت یکی از ستاره‌های درخشان خود را از دست داد.

هم انقلابی بود هم اهل عقلانیت

شهید امیرعبداللهیان به عنوان وزیر امور خارجه دولت سیزدهم، با تکیه بر اخلاق حرفه‌ای و تعهد به اصول انقلاب اسلامی، نقش مهمی در سیاست خارجی دولت سیزدهم ایفا کرد. حمایت او از مقاومت منطقه‌ای، بویژه در دفاع از فلسطین، او را به «وزیر خارجه مقاومت» بدل ساخت.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شهید امیرعبداللهیان به عنوان مجری سیاست خارجی کشور در دوره دولت سیزدهم، توجه به رعایت اخلاق و حرفه‌ای‌گری به



محمد جمشیدی
معاون سیاسی دفتر شهید رئیسی در دولت سیزدهم

صورت توأمان در این عرصه بود. اگرچه من به عنوان معاون سیاسی دفتر شهید رئیسی در جریان امور سیاست خارجی دولت قرار می‌گرفتم اما بارها در جلسات از نزدیک شاهد مواضع وطن‌پرستانه و دلسوزانه شهید امیرعبداللهیان بودم. مواضع صریح و مکرر شهید امیرعبداللهیان در دفاع از فلسطین و تلاش‌های عملی او برای تقویت قدرت مقاومت در منطقه، لقب «وزیر خارجه مقاومت» را برانداخت و او را به «وزیر خارجه مقاومت» بدل ساخت.

این اتفاق بویژه بعد از طوفان الاقصی و حمایت همه‌جانبه شهید رئیسی و شهید امیرعبداللهیان در اعلام موضع به صورت متداوم مشهود بود. با اینکه ابتکار عمل‌های گسترده‌ای در رابطه با تقویت همکاری‌های منطقه‌ای از سوی شهید امیرعبداللهیان در راستای منافع ایران و جریان مقاومت ترتیب داده شد.

این اقدامات در چهارچوب دیدار با سران قدرت‌های جهانی از جمله روسیه یا دیدار با سران کشورهای منطقه از جمله عربستان و حضور در مجامعی مثل سازمان کنفرانس اسلامی و اجلاس بریکس به حد اعلای خود رسید.

انقلابی‌گری و عقلانیت در رویکرد سیاست خارجی دولت شهید رئیسی با هم مزوج بود.

اگرچه طرف غربی سعی می‌کند رویکرد انقلابی را به نوعی رویکرد تهاجمی تعریف کند اما رویکرد انقلابی بر پافشاری بر اصول اساسی انقلاب است.

از این رو بود که طرف‌های غربی هم بعداً متوجه شدند، آن چیزی که می‌خواستند علیه ایران رقم بزنند کارساز نشد. بر این اساس از جمله دستاوردهای سیاست خارجی دولت شهید رئیسی، احیای گفت‌وتمان انقلاب اسلامی در سیاست خارجی، رکوردشکنی در افزایش میزان صادرات غیرنفتی، بهبود روابط با کشورهای منطقه از جمله عربستان بود و نکته بعد اینکه باور طرف‌های غربی نسبت به قدرت و توانمندی کشور تغییر کرد و آنها متوجه شدند که باید از موضع احترام با ایران صحبت کنند.